

ارزش‌یابی طرح تسهیل‌گران زن روستایی در ایجاد ارتباط دوسویه و افزایش مشارکت زنان روستایی در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی

(مطالعه‌ی موردی: دهستان مازول از بخش مرکزی شهرستان نیشابور)

خدیجه بوذرجمهری*، فریده نایب زاده**

چکیده: از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، روی‌کردهای مشارکتی به‌ویژه مشارکت زنان روستایی در توسعه در سطوح ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. جلب مشارکت زنان روستایی در توسعه نیازمند راه‌کارهایی مناسب است تا سبب تحریک‌پذیری، توان‌مندسازی و تقویت روحیه‌ی خودباوری در آن‌ها شود. یکی از این راه‌کارها، اجرای طرح «تسهیل‌گری» است که زنانی تحت عنوان «تسهیل‌گر» که زنانی از بین زنان روستایی جامعه‌ی خودشان انتخاب می‌شوند تا با آموزش‌هایی که می‌بینند، زنان روستایی را در امور مختلف اقتصادی-اجتماعی یاری و زمینه‌های مشارکت بیشتر آن‌ها را فراهم کنند. از آن‌جایی که در ادبیات توسعه و برنامه‌ریزی، «ارزش‌یابی» یکی از ضرورت‌های فرایند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود، در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و انجام پژوهش‌های میدانی در ۱۸ روستای این دهستان و مصاحبه با ۳۷۵ زن روستایی حجم نمونه، طرح مذکور مورد ارزش‌یابی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده، حاکی از آن است که گرچه طرح تسهیل‌گری در ایجاد ارتباط دوسویه بین کارگزاران دولتی و زنان روستایی و نیز در افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی موفق نبوده است، اما در افزایش روحیه اعتمادبه‌نفس تسهیل‌گران زن و حضور بیشتر آنان در برنامه‌های توسعه روستایی مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: طرح تسهیل‌گران زن روستایی، مشارکت، دهستان مازول شهرستان نیشابور

مقدمه و طرح مسئله

برخی تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که با وجود اهمیت نیروی کار زنان در نظام‌های مختلف کشاورزی، زنان در مقایسه با مردان کمتر به منابع توسعه و برنامه‌های آموزشی و ترویج کشاورزی دسترسی داشته‌اند

azar1334@gmail.com

faride_nayeb@gmail.com

* استادیار گروه جغرافیای دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

** کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی دانشگاه پیام نور فریمان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۶/۰۹

و هنوز هم دارند. به عنوان مثال در یک مطالعه‌ای که توسط سازمان خواربار جهانی انجام شده، مشخص شده که از ۱۳۲ سازمان ترویجی سراسر جهان فقط حدود پنج درصد از کل منابع ترویج کشاورزی به برنامه‌های کشاورزان زن اختصاص یافته است (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۰: ۳۶). همچنین علاوه بر کمی تعداد برنامه‌های آموزشی مربوط به زنان روستایی، روش‌های آموزش و ترویج نیز غالباً نامناسب و غیر کارآمد بوده است و مهم‌تر آن که خود زنان هیچ نقشی در فعالیت‌های ترویجی نداشته‌اند، به طوری که انتخاب مروجان بر اساس اعلام نظر یک یا دو نفر از رهبران محلی روستا صورت می‌گرفته است که عمدتاً از مردان روستایی بوده‌اند و این اقدام به علت فقدان حضور زنان روستایی، مشارکت آن‌ها را کم‌رنگ می‌کرده و در نتیجه در شناسایی و رفع نیازها و حل مشکلات چندان مؤثر نبوده است.

به منظور رفع مشکلات فوق و بهبود خدمات ترویجی برای زنان روستایی، طرح‌هایی در نظر گرفته شده است از جمله: انتخاب زنان یا دختران تحصیل‌کرده‌ی روستا به نام «کشاورزان تماس زن» یا «تسهیل‌گران زن روستایی» است. این افراد به عنوان واسطه بین مروجان و کارشناسان، با زنان روستایی در برقراری جریان دوسویه‌ی اطلاعات و انتقال دانش و ترویج شیوه‌های نوین کشاورزی و همچنین سهولت ارتباط با کارگزاران دولتی عمل می‌کنند و می‌توانند نقشی مؤثر داشته باشند.

با اجرای طرح تسهیل‌گری که بر اساس آن مروجان با توجه به نیاز زنان روستایی و توسط خود آن‌ها انتخاب می‌شوند و با توجه به این که در طرح مذکور سازمان‌دهی و تعیین نیازهای آموزشی مروجان زن روستایی نیز با مشارکت مستقیم خود آن‌ها انجام می‌شود، می‌توان امیدوار بود که شیوه‌ی کار، زمینه‌ساز حضور بیشتر زنان روستایی در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها به منظور بهبود وضعیت آن‌ها و توسعه‌ی روستاها باشد.

هدف کلی این مقاله، ارزش‌یابی طرح تسهیل‌گری در دهستان مازول شهرستان نیشابور، یعنی تجزیه و تحلیل آثار طرح و میزان کارایی و موفقیت آن در رسیدن به اهداف تعیین شده است. به عبارتی می‌خواهیم بدانیم آیا این طرح سبب افزایش میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه‌ی روستایی شده است؟ آیا این طرح در ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان روستایی و کارگزاران دولتی موفق بوده است؟ و بالاخره آن که آیا طرح در افزایش آگاهی و مهارت‌های زنان روستایی مؤثر بوده است؟ بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر مطرح شد:

۱- اجرای طرح تسهیل‌گری در دهستان مازول در ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان روستایی با

کارگزاران دولتی موفق بوده است.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۷۱

- ۲- اجرای طرح تسهیل‌گری سبب افزایش میزان مشارکت زنان روستایی و حضور بیشتر آن‌ها در فعالیت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و عمرانی روستاهای منطقه شده است.
- ۳- اجرای طرح در افزایش آگاهی و مهارت‌های زنان روستایی منطقه مؤثر بوده است.

مبانی نظری

در مبانی نظری تحقیق ابتدا به تعریف مفاهیم اساسی پژوهش می‌پردازیم و سپس پیشینه موضوع و در نهایت به زنان تسهیل‌گر روستایی و اهداف و ابعاد طرح مذکور و نقشی که می‌تواند در توسعه روستایی ایفا نماید پرداخته می‌شود.

ارزش‌یابی^۱: ارزش‌یابی یعنی مطالعه‌ی پیشرفت یک طرح، در ضمن اجرا یا بعد از آن تا معلوم شود که اجرای آن مطابق برنامه بوده است یا نه و اثرات آن را ارزش‌یابی نمود (معین، ۱۳۷۱: ۱۹۹).

تسهیل‌گر: کلمه‌ی تسهیل‌گر از واژه‌ی فرانسوی^۲ به معنای سهل و آسان گرفته شده است. در بسیاری از کشورهای جهان از تسهیل‌گران به عنوان «کشاورزان تماس» یاد می‌کنند، اما به نام‌های دیگری چون «کشاورزان ماهر»، «کشاورزان راهنما»، «کشاورزان رهبر»، «کشاورزان هدف»، «کشاورزان رابط» نیز معروفند. کشاورزان رابط یا «مددکاران ترویج» یا همان «تسهیل‌گران» می‌توانند در تشکیل گردهمایی‌ها و یافتن مخاطبان آموزشی در برنامه‌های مختلف آموزشی به مروجان کمک کنند و در انتقال توصیه‌های مروجان به بقیه‌ی کشاورزان نقشی مهم داشته باشند.

مروج و تفاوت آن با تسهیل‌گر: گرچه غالباً تسهیل‌گر را مترادف مروج می‌دانند، اما حقیقت این است که آن‌ها با یکدیگر کمی متفاوتند. تسهیل‌گران نقشی دوسویه دارند یعنی آن‌ها زنانی پیشرو هستند که با ایجاد تعامل قوی با سایر زنان، پل ارتباطی میان دانش بومی و پیام‌های ترویجی بین کارشناسان و زنان روستایی به شمار می‌روند و نقش اصلی آن‌ها ظرفیت‌سازی برای زنان به منظور ایجاد حرکت‌های گروهی مستقل و خودتکاست. در صورتی که مروج، ترویج‌دهندی دانش و فناوری است که در قالب ارتباطی عمومی و یک‌سویه با روستاییان کار می‌کند و بیشتر فعالیت او را انتقال اطلاعات از مراکز علمی به سطح محلی تشکیل می‌دهد (حاجیلو، خانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۶). از این رو گاهی به جای «تسهیل‌گر» واژه‌ی «مروج دوسویه» نیز به کار می‌رود.

1. Evaluation

2. Facile

از نظر پیشینه شاید واژه تسهیل‌گر اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰ در غرب به کار رفته باشد. «مایک روبینسون»^۳ و «سیاران بری»^۴ در انگلستان، وقت و انرژی خود را برای جنبش حلقه‌های کیفی - یعنی پیدا کردن راه‌کاری برای تشویق دخالت نیروی کار در حل مسئله و پیشرفت بیشتر - مصروف داشتند. آنان تسهیل‌گران را به منزله کارگزاران تغییر می‌دانستند که متناسب با سطح مهارت و منشی که در پیش گرفته‌اند، در جهت توسعه و بهبود عملکرد افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها کمک می‌کنند. «کریستین هوگان»^۵ معتقد است که چنین تسهیل‌گرانی کنش‌یاران تغییرند، اما لزوماً محرکان تغییر به شمار نمی‌روند (زرگر، ۱۳۸۵: ۲).

این رهیافت در بیش از ۴۰ کشور دنیا، ابتدا برای مردان و سپس برای زنان کشاورز به محک تجربه گذاشته شد و تجربیات حاصل در گزارش‌های متعدد علمی و تحقیقی انعکاس یافت (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۰: ۴۱).

طرح تسهیل‌گری در ایران از دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شد و محققانی چون شهبازی، جوادیان، حیاتی، کرمی، شعبانعلی فمی، حاجیلو، خانی و دیگران پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که همراه با ترجمه‌ی آثار محققانی چون رابرت چمبرز^۶ و تحقیقات فائو و فعالیت‌های ترویجی سازمان جهاد کشاورزی و غیره در پیدایش و اجرای طرح تسهیل‌گری مؤثر بوده است. اینک به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم.

شهبازی (۱۳۷۲) در کتاب توسعه و ترویج روستایی، ضمن مطالعه‌ی اصول و استراتژی‌های توسعه و ترویج و رهیافت‌های روستایی و رهبری محلی، به عوامل ترویج و روش‌های آموزشی، پیوندها و شاخص‌های ارزش‌یابی در ترویج و توسعه‌ی روستایی پرداخته است.

روشنایی (۱۳۷۴) در یافته‌های پژوهش خود با عنوان «ارزش‌یابی مروجان روستایی» مطرح می‌کند که طبق نظر بهره‌داران و مروجان، مروج باید توسط مردم انتخاب شود. هم‌چنین از میان روش‌های آموزشی - ترویجی، برگزاری کلاس‌های آموزشی بیشترین میانگین امتیاز را دارد. تحصیلات بالای مروج نیز نسبت به ریش‌سفید بودن امتیاز بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.

حیاتی و کرمی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «سازه‌های مؤثر بر فعالیت و مطلوبیت کار مروجان در استان فارس» نشان داده‌اند که برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقای سطح علمی مروجان با میزان فعالیت و مطلوبیت آن‌ها رابطه‌ی مستقیم دارد.

3. Mike Robinson

4. Ciaran Berry

5. Kristin Hogan

6. Robert Chambers

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۷۳

جوادیان (۱۳۷۷) در «بررسی نقش رهبران محلی در پیش‌برد برنامه‌های ترویجی و توسعه‌ی روستایی» به رابطه‌ی تماس بیشتر مروج با نهادهای فعال در روستا و موفقیت او در ترویج و توسعه‌ی روستایی تأکید کرده است.

شعبانعلی فمی (۱۳۸۰) در مقاله‌ی «مروری بر تجربیات جهانی در بهبود خدمات‌رسانی ترویجی به زنان روستایی» تصریح کرده است که تسهیل‌گران بهتر است جزو کشاورزان کوچک و باسواد باشند، توانایی خرید نهاده‌ها را داشته باشند، برای پذیرش توصیه‌های ترویجی و به‌کارگیری آن‌ها در مزرعه‌ی خود آمادگی داشته باشند و اجازه دهند که سایر کشاورزان از فعالیت‌های آن‌ها بازدید کنند.

چمبرز (۱۳۸۱) در کتاب *چالش با حرفه‌ها*، در خصوص تغییر نحوه‌ی عمل مروجان کشاورزی به این نتیجه رسیده است که تسهیل‌گری باید در ترویج و آموزش کشاورزی لحاظ شود. مروجان کشاورزی برای بقای خود در آینده باید به‌صورت یک تسهیل‌گر عمل و به بهبود وضعیت تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزان کمک کنند. وی که از بنیان‌گذاران پارادایم جدید آموزش و ترویج است. او با مطالعه‌ی گذشته‌ی ترویج از سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۵۰، سه مقطع را به‌صورت مجزا قابل تفکیک دانسته است: مقطع اول؛ که طی آن نظریات سنتی «نشر» بر ترویج حاکم بود و لذا منجر به غفلت از روستاییان شد و به سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ برمی‌گردد.

مقطع دوم؛ که سال‌های به‌کارگیری تلفیقی نظریه‌های نشرگرایانه و مدل‌های «انتقال فناوری» بود و هدف‌ها بر کار زراعی روستاییان و مزارع روستایی و توجهات در جهت تواناسازی روستاییان برای پذیرش فناوری طی سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ متمرکز بود.

مقطع سوم؛ که طی آن هرچند مدل «انتقال فناوری» مورد توجه بود، اما بر آن نوعی تأکید می‌شد که متناسب با شرایط زیستی، محیطی، روانی و گروه‌های هدف زارعان محروم بود و به آن‌ها اولویت می‌داد که این به سال‌های دهه‌ی ۸۰ میلادی برمی‌گردد. چنان‌چه ملاحظه می‌کنید در دو مقطع اول، نقش روستاییان به خصوص زارعان خرده‌پا به فراموشی سپرده شده و تنها بر مفاهیم فنی ترویج و انتقال فناوری تأکید شده است، اما از دهه‌ی ۸۰ به بعد است که چرخشی در دیدگاه‌های حاکم بر ترویج، در جهت توجه و تمرکز بر تولیدکنندگان روستایی خرده‌پا دیده می‌شود و مفهوم تسهیل‌گر، یعنی آموزش‌های دوسویه، پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد (شیرزاد، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

کمالی (۱۳۸۲) در مقاله‌ی «الگوسازی تسهیل ارتباط دوسویه‌ی مروّجان زن در دهستان میانکوه اردل» به این نتیجه دست یافته است که بین موفقیت مروّجان دوسویه با انتخاب شدن آن‌ها توسط مردم، برگزاری آموزش‌های مناسب برای مروّجان و محور قراردادن موضوع سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در آموزش‌های ارایه‌شده ارتباطی معنادار وجود دارد.

مافی (۱۳۸۴) در «تهیه‌ی طرح جامع زنان روستایی، مهم‌ترین هدف در برنامه‌ی چهارم» در پیش‌زمینه‌ی طرح‌های اشتغال‌زایی زنان روستایی، طرحی به نام تسهیل‌گران زن روستایی ارایه داده است که در آن به زنان روستایی در قالب کارگاه‌های مختلف آموزش‌هایی داده شود تا از این طریق مشکلات و نیازهای خود را بر اساس این آموزش‌ها برطرف کنند.

مشفق (۱۳۸۴) در مقاله‌ی «مددکاران ترویج و توسعه‌ی روستایی» به نقل از شهبازی، از مروّجان محلی، مددکاران ترویج و نیروهای معین روستایی به‌عنوان همان «رهبران محلی» یاد می‌کند و معتقد است که آن‌ها به‌دلیل داشتن دانش، تجربه، مهارت‌های فنی و تماس‌های مدام با کارشناسان امور مربوط، خبرگی لازم را به‌دست آورده‌اند و در ارایه‌ی اطلاعات به مردم روستایی نقشی مهم به عهده دارند.

حاجیلو، خانی و دیگران (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیل‌گران زن در ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی: مطالعه‌ی موردی آذربایجان شرقی» تأکید کرده‌اند که در نظام ترویج مبتنی بر پارادایم مشارکتی توسعه، یکی از روش‌های مورد تأکید برای ارتقای مشارکت زنان در جامعه‌ی روستایی ایجاد گروه‌های مستقل زنان برای انجام فعالیت‌های تیمی است و در این راستا یکی از شیوه‌های مورد استفاده، به‌کارگیری زنان پیشرو محلی تحت عنوان «تسهیل‌گران» جهت ظرفیت‌سازی و ایجاد حرکت در جامعه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین موفقیت تسهیل‌گران در ایجاد و تدام فعالیت گروه‌های مستقل زنان با میزان پذیرش تسهیل‌گر از سوی زنان، زمینه‌های تماس او با کارشناسان ترویج و آشنایی او با مفهوم «سازمان‌های غیردولتی» ارتباط وجود دارد.

امامی (۱۳۸۶) در کتابش با عنوان تسهیل‌گری ابزاری برای توان‌مندسازی منابع انسانی ضمن مشخص کردن روش‌ها و کمک‌های تسهیل‌گر می‌نویسد: تسهیل‌گری راهی است برای رهبری، بدون این‌که زمام امور به‌دست گرفته شود و وظیفه‌ی تسهیل‌گر آماده کردن دیگران برای به عهده گرفتن مسئولیت و رهبری است.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۷۵

مطالعه‌ی تجارب جهانی در این زمینه نشان می‌دهد که به‌منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعه‌ی پایدار باید راه‌های مشارکت زنان مطالعه و توان‌مندسازی آن‌ها برای شرکت در فرآیند توسعه از مرحله‌ی تصمیم‌سازی آغاز شود (گوبایان و هاکوبیان^۷، ۱۹۹۸؛ بوچوی^۸، ۲۰۰۱).

شیوا^۹ که در سال ۱۹۹۱، در تحقیقات خود در مورد برخی ایالت‌های منتخب هندوستان نشان داده است که گرچه زنان بیش از ۶۰ درصد از عملیات کشاورزی را انجام می‌دهند، اما کمتر در برنامه‌های ترویج یا آموزش‌های حرفه‌ای منظور می‌شوند.

ایجاد سازمان‌های تعاونی و غیردولتی با مدیریت محلی که زنان نیز در آن مشارکت گسترده و فعال داشته باشند از جمله پیشنهادهایی است که فائو نیز بر آن تأکید کرده است (فائو، ۱۳۷۷). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که زارعان زن در صورتی که تحت نظارت مروجان زن باشند دسترسی بیشتری به خدمات ترویجی دارند (گودی و جونز^{۱۰}، ۱۹۹۹) و مروج باید با جلب اعتماد مردم، علایق آن‌ها را به سمت فعالیت‌های سازنده سوق دهد و در این راه علاوه بر انتقال اطلاعات به آن‌ها مهارت گوش کردن به حرف آن‌ها را نیز داشته باشد (ورنر^{۱۱}، ۲۰۰۰).

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان ادعا نمود که تسهیل‌گران به مثابه عامل کلیدی می‌توانند بین روستاییان و سازمان‌های دولتی ارتباط برقرار کنند و آنان را در مسایل و مشکلاتشان یاری دهند. ویژگی‌های یک تسهیل‌گر خوب از این قرار است:

یک تسهیل‌گر اثرگذار خوب گوش می‌دهد، خوب مشاهده می‌کند، از تمام وسایل سمعی و بصری به طور مؤثر استفاده می‌کند، نظرات را به‌طور خوانا ثبت می‌کند، سؤال‌های احتمالی را می‌پرسد، به سرعت فکر می‌کند، احساسات را درک می‌کند و نحوه پاسخ‌گویی به آن‌ها را می‌داند، کشمکش و اختلاف‌ها را حل می‌کند، از زبان طنز استفاده می‌نماید، شیوه‌های گوناگونی را برای بحث‌های گروهی از جمله در حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها می‌شناسد و در نهایت مردم و گروه‌ها را درک می‌کند و به آن‌ها انرژی می‌دهد و یاری می‌رساند (لوسان^{۱۲}، ۱۹۹۶).

7. Gobayan and Hakobion

8. Botchway

9. Shiva

10. Goldey, and Jones

11. Wernner

12. Lawson

در ایران، استفاده از نیروهای محلی به صورت رسمی و سازمان‌دهی شده پس از اجرای طرح به‌پورزان در امور بهداشت و درمان، به ترویج کشاورزی بسط داده شد (نخودچی و نیک‌جو، ۱۳۷۵: ۶۴) مسئله به‌کارگیری نیروهای محلی با توجه به اهداف و برنامه‌های هر یک از دو وزارت جهادسازندگی و کشاورزی سابق مورد توجه قرار گرفت و افراد محلی تحت عناوین مختلفی نظیر مروجین کشاورزی، مددکاران ترویجی، نیروهای معین و مروجین محلی مورد استفاده قرار گرفتند (حاجیلو و خانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

در نهایت طرح سازماندهی و آموزش زنان تسهیل‌گر در سال ۱۳۷۷ از طریق بازنگری طرح مروجان زن روستایی برای توان‌مندسازی اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و برقراری ارتباط دوسویه برای رسیدن به توسعه‌ی روستایی به مرحله اجرا درآمد (دانیالی، ۱۳۸۷) و راه‌کارهای ذیل جهت پررنگ نمودن نقش تسهیل‌گران مطرح گردید:

- حمایت از تأسیس شرکت‌های تعاونی تولیدی زنان در بخش‌های کشاورزی و صنایع دستی،
- بهبود دسترسی زنان به خدمات ترویجی کشاورزی،
- آرایه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای زنان روستایی،
- دسترسی زنان روستایی به اعتبارات از طریق رفع موانع مربوط (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۷).

اهداف و ابعاد طرح تسهیل‌گران زن روستایی

الف- اهداف کیفی

- ۱- ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان روستایی و کارگزاران دولتی و غیردولتی از طریق زنان تسهیل‌گر.
- ۲- آشنایی با روش‌های تسهیل‌گری (تفکر تولیدی، الگوسازی و کارآفرینی).
- ۳- آشنایی زنان تسهیل‌گر با وظایف سازمان‌ها و ادارات اجرایی مرتبط با روستا برای انتقال اطلاعات و کمک به زنان روستایی برای رفع مشکلات مربوط به خود و خانواده و روستا.
- ۴- آشنایی زنان با نحوه‌ی تشکیل سازمان‌های غیر دولتی.
- ۵- آشنایی زنان تسهیل‌گر با طرح‌های ترویجی - مشارکتی و شبکه‌ای ارتباطی ترویج.
- ۶- آشنایی زنان تسهیل‌گر به اطلاعات به‌روز مورد نیاز آموزشی و ترویجی زنان روستایی.

ب- اهداف کمی

- ۱- سازمان‌دهی تعداد ۳۱۵ نفر از زنان توان‌مند روستایی در قالب تسهیل‌گران توسعه‌ی روستایی در سطح کل کشور.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۷۷

۲- تحت پوشش قرارداد ۲۱ شهرستان، ۲۱ دهستان و ۳۱۵ روستا تا پایان سال ۸۸ در خصوص طرح مذکور.

۳- آموزش بالغ بر ۳۱۵ نفر از اعضای شوراهای اسلامی و ۳۱۵ نفر از رهبران محلی و کشاورزی پیشرو روستایی.

۴- آموزش ۳۱۵ نفر از زنان روستایی در خصوص مباحث مشارکتی، تسهیل‌گری و کارآفرینی.

۵- تشکیل ۲۱ تشکل اجتماعی، اقتصادی زنان روستا در ۲۱ شهرستان کشور.

ج- ابعاد طرح

طرح تسهیل‌گری دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در این تحقیق به ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن تأکید شده و شامل موارد زیر است:

۱- ایجاد اعتمادبه‌نفس و خودباوری در زنان روستایی از طریق افزایش مشارکت آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی.

۲- افزایش تأثیرگذاری زنان در تصمیم‌گیری‌های روستایی.

۳- افزایش مشارکت زنان در حل مسائل و مشکلات و کمک به توسعه روستایی.

۴- پررنگ کردن توان‌مندی‌های زنان روستایی در عرصه‌های مختلف.

۵- تغییر نگرش اجتماعی نسبت به نقش زنان در توسعه روستایی.

۶- مشارکت زنان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی مورد نیاز جامعه روستایی.

ملاک‌های انتخاب تسهیل‌گر

از آنجایی که تسهیل‌گران کلید ارتباط مردم با سازمان دولتی هستند، باید انتخاب این افراد توسط خود زنان روستایی انجام شود. کاندیدها باید دارای مشخصات زیر باشند:

- فعال، باانگیزه و از نظراعتقادی و اخلاقی مورد تأیید باشند.

- بی‌هیچ توقع رسمی و اداری برای حل مسایل زنان روستایی داوطلب باشند.

- توانایی دفاع از حقوق زنان روستایی را داشته باشند.

- سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند.

- خانواده‌های‌شان موافق فعالیت آن‌ها باشند.

- وقت کافی برای ایجاد ارتباط با زنان روستایی داشته باشند.

-امکان شرکت در دوره‌های آموزشی، گردهمایی‌های روستا و شهرستان را داشته باشند (جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی، ۱۳۸۶).

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استفاده کرده‌ایم. برای تجزیه و تحلیل آماری و درک همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه، آزمون مقایسه‌ی میانگین^{۱۳} و ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون به کار برده‌ایم. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی زنان روستایی ۱۵ سال به بالای ساکن دهستان مازول نیشابور است که نظرها و آثار طرح با تکمیل پرسش‌نامه و مصاحبه‌های فردی و جمعی بر روی آن‌ها مطالعه شده است. نمونه‌گیری طی دو مرحله انجام شد: در مرحله‌ی اول از ۳۸ روستای جامعه‌ی آماری که دارای طرح تسهیل‌گری بودند ۱۸ روستا (حدود ۵۰ درصد) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و در مرحله‌ی دوم از کل زنان جامعه‌ی آماری، حجم نمونه برآورد شده است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد زنان روستایی ۱۵ سال به بالای این دهستان بالغ بر ۱۵۰۳۶ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۳۸۳) ضریب اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی $d = 0.05$ ، حجم نمونه‌ی ۳۷۵ نفر به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

در ارزش‌یابی طرح تسهیل‌گری دهستان مازول سه هدف مهم مورد سنجش قرار گرفته و برای ارزش‌یابی هر یک از این اهداف، شاخص‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته‌ایم:

الف) برای ارزش‌یابی نقش تسهیل‌گران در ایجاد ارتباط دوسویه از دو شاخص زیر استفاده کرده‌ایم:

- کمک به زنان روستایی برای مراجعه به ادارات و سازمان‌های دولتی.
- کمک‌های مشاوره‌ای به زنان روستایی در رفع مشکلات سازمانی و اداری.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که از ۳۷۵ زن روستایی، ۸۵/۶ درصد اظهار داشتند که اصولاً سروکاری با ادارات و سازمان‌های دولتی ندارند و این مسئولیت به عهده‌ی مردان است و فقط ۱۴/۲

¹³. One Sample T-Test

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۷۹

درصد آن‌ها با کمک مؤثر تسهیل‌گران به سازمان‌ها و ادارات دولتی مراجعه می‌کنند. ضمناً ۴۲/۲ درصد زنان گاهی با تسهیل‌گر مشورت داشته و بقیه نیاز به این کار نداشته‌اند.

ب) برای ارزش‌یابی نقش تسهیل‌گران در افزایش میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی از پنج شاخص زیر استفاده کرده‌ایم:

- میزان مشارکت سیاسی زنان روستایی در انتخابات شوراهای تسهیل‌گر: بنا بر تحقیق حاضر از

۳۷۵ نفر زن روستایی، ۴۰ درصد در انتخابات شوراهای مشارکت داشته و تسهیل‌گران مشوق آن‌ها بوده‌اند.

- نقش تسهیل‌گران در تشویق زنان روستایی برای عضویت صندوق‌های قرض‌الحسنه:

از حجم نمونه‌ی مورد مطالعه، ۴۵ درصد عضو صندوق‌های قرض‌الحسنه بودند و این عضویت به

تشویق تسهیل‌گر و انگیزه‌های مالی زنان روستایی بوده است. در برخی از روستاهای منطقه (نقاب و

بشنیج) عضویت زنان به ۷۰ درصد رسیده است که نشانه‌ی موفقیت بیشتر طرح است.

- نقش تسهیل‌گران در اجرای طرح‌های فرهنگی:

طرح‌های فرهنگی تسهیل‌گران در روستاهای منطقه بیشتر شامل: تشکیل بسیج و دوره‌های

آموزشی، جلسات مشاوره‌ای با اولیاء، ایجاد کتابخانه، کمک و هم‌یاری به اقشار ضعیف و آسیب‌دیدگان مخاطرات طبیعی است. نتایج تحقیقات میدانی نشان می‌دهد:

- به استثنای دو روستای منطقه (بشنیج و ده حلاج) که تسهیل‌گران نقشی مؤثر در احداث

کتابخانه‌های آن داشتند، در بقیه‌ی روستاها چنین فعالیتی صورت نگرفته است.

- ۸۵/۶ درصد زنان روستایی معتقدند که تسهیل‌گران فقط در تشکیل طرح بسیج موفق بوده‌اند.

- فقط ۵ درصد زنان در جلسات مشاوره اولیاء با تسهیل‌گر شرکت کرده‌اند.

- به نظر ۲/۹ درصد از زنان، تسهیل‌گران در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان مخاطرات طبیعی فعال بوده‌اند.

بنابراین فقط تسهیل‌گران در اجرای طرح بسیج موفق بوده‌اند.

- نقش تسهیل‌گران در طرح‌های عمرانی:

به عقیده‌ی زنان روستایی، از مجموع طرح‌های عمرانی انجام‌شده در روستاهای منطقه که تسهیل‌گر

در آن نقش داشته است، ۸/۲ درصد در تأسیس مدرسه‌ی راهنمایی و دبیرستان، ۴/۹ درصد در ایجاد

آسفالت راه‌های روستایی، ۵۵/۶ درصد در زمینه‌ی توسعه‌ی زیرساخت‌های روستایی (کشیدن خط تلفن،

گاز، تأمین و بهبود آب آشامیدنی) و ۲۱ درصد در ساختن و تجهیز مسجد و حسینیه مؤثر بوده‌اند.

نحوه‌ی هم‌کاری زنان با تسهیل‌گر در انجام طرح‌های عمرانی:

مشارکت زنان در طرح‌های عمرانی نشان‌دهنده‌ی موفقیت تسهیل‌گر در جلب هم‌کاری زنان در مسایل روستا و خودیاری آن‌ها است. نتایج میدانی نشان می‌دهد که هم‌کاری ۴۳ درصد از زنان روستایی زیاد بوده است و بقیه خیلی هم‌کاری نکرده‌اند:

۲۷/۲- درصد زنان از نظر مالی در ساخت و تجهیز مسجد و حسینیه مشارکت داشته‌اند. فقط ۵/۴ درصد از همسران زنان حجم نمونه در ساختن مسجد و حسینیه با ارایه‌ی نیروی کار مشارکت کرده‌اند. (ج) نقش تسهیل‌گران در افزایش دانش زنان روستایی:

تنها ۴۶ درصد از زنان حجم نمونه در دوره‌های آموزشی شرکت داشته‌اند. استقبال نکردن بقیه به علت بی‌سوادی و کم‌سوادی یا مطابقت نداشتن دوره‌های آموزشی با نیازها و اولویت‌های زنان عنوان شده است. بنابراین، اجرای طرح در این زمینه چندان موفق نبوده است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: طرح تسهیل‌گری در ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان روستایی و کارگزاران دولتی تأثیری معنادار داشته است.

برای اثبات این فرضیه از آزمون مقایسه‌ی میانگین استفاده کردیم و از مجموع نمرات سؤال‌های شاخص‌های هر متغیر، نمره‌ی متوسط به‌دست‌آمده به‌عنوان عدد مقایسه‌ای در نظر گرفته شده است. این عدد برای این فرضیه برابر ۴ است.

جدول (۲) نشان می‌دهد که گرچه مقدار سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ است، اما چون میانگین نمره کمتر از متوسط است (۴۰۳) بنابراین تأثیر این طرح در ایجاد ارتباط دوسویه، مثبت و معنادار نبوده است و از این حیث، موفق ارزش‌یابی نمی‌شود.

جدول (۱) میانگین انحراف و خطای استاندارد و میانگین فرضیه‌ی ۱

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
۳۷۵	۳/۰۴۰۰	۱/۱۹۵۳۶	۰/۰۶۱۷۳

جدول (۲) آزمون و سطح معناداری فرضیه ۱

آماره‌ی T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین‌ها	فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصدی
-۱۵/۵۵۲	۳۷۴	...	-۰/۹۶۰۰۰	کرانه بالا
				کرانه پایین
				-۰/۰۸۱۴

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۸۱

فرضیه ۲: طرح تسهیل‌گران در ترویج برنامه‌های مشارکتی تأثیری معنادار داشته است. نمره‌ی متوسط این فرضیه که به‌عنوان عدد مقایسه‌ای در نظر گرفته شده ۱۰ است. چنان‌که جدول (۴) نشان می‌دهد، گرچه مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، اما چون میانگین نمره‌ی آن‌ها کمتر از متوسط به‌دست آمده است (۱۰/۷/۷) بنابراین فرضیه پذیرفته نمی‌شود. یعنی طرح در ترویج برنامه‌های مشارکتی معنادار و مثبت ارزش‌یابی نمی‌شود.

جدول (۳) میانگین انحراف و خطای استاندارد و میانگین فرضیه‌ی دو

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین استاندارد
۳۷۵	۷/۷۲۸۰	۳/۶۹۹۳۵	۰/۱۹۱۰۳

جدول (۴) آزمون و سطح معناداری فرضیه دو

آماره‌ی T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین‌ها	فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصدی
-۱۱/۸۹۳	۳۷۴	...	-۲/۲۷۲۰۰	کرانه بالا
				کرانه پایین
				-۲/۶۴۷۶

فرضیه ۳: طرح تسهیل‌گران در افزایش آموزش و دانش زنان روستایی تأثیری معنادار داشته است: برای آزمون این فرضیه نمره‌ی متوسط سؤال‌های مربوط، به‌عنوان عدد مقایسه‌ای برابر ۶/۵ محاسبه شده است. در جدول (۶) مقدار سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ به‌دست‌آمده است. یعنی طرح، تأثیری معنادار داشته است، اما مانند موارد قبل میانگین نمره‌ی آن‌ها کمتر از متوسط است (۶/۵/۴/۴) بنابراین تأثیر این طرح در افزایش آموزش و سطح دانش زنان روستایی معنادار نبوده است و مثبت ارزش‌یابی نمی‌شود.

جدول (۵) میانگین انحراف و خطای استاندارد و میانگین فرضیه‌ی سه

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین استاندارد
۳۷۵	۴/۴۶۶۷	۲/۵۰۰۹۸	۰/۱۲۹۱۵

جدول (۶) آزمون و سطح معناداری فرضیه‌ی سه

آماره‌ی T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین‌ها	فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصدی
-۱۵/۷۴۴	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۲/۰۳۳۳۳	کرانه بالا
				کرانه پایین
				-۲/۲۸۷۳

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از مباحث گذشته در امر ارزش‌یابی طرح در دهستان مازول، می‌توان گفت که نتایج و آزمون‌های آماری مؤید این مطلب است که عمل‌کرد طرح مزبور با اهداف مدون آن خیلی فاصله دارد و سه فرضیه‌ی تحقیق با ضریب اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته نشد. یکی از عوامل عمده‌ی موفق نشدن طرح، پایین بودن سطح سواد زنان روستایی و مطابقت نداشتن دوره‌های آموزشی با نیازهای واقعی آن‌ها بوده است.

چنان‌که جدول (۷) یعنی ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر سواد زنان روستایی و میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی نشان می‌دهد، مقدار سطح معناداری برابر $0/021$ است یعنی رابطه‌ای معنادار با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و چون مقدار ضریب، مثبت و برابر $0/119$ است، بنابراین با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۷) ضریب همبستگی میزان سواد زنان روستایی و میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی

متغیرها	آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد جامعه نمونه
میزان سواد و میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی		$0/119^*$	$0/021$	۳۷۵

عامل دیگر موفق نشدن آن‌ها در انجام طرح، بالا بودن میانگین سنی تسهیل‌گران در نظر گرفته شده است. برای یافتن رابطه‌ی همبستگی دو متغیر سن و موفقیت تسهیل‌گران در اجرای طرح‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده‌ایم، اما چنان‌که جدول (۸) نشان می‌دهد سن آن‌ها تأثیری در روند طرح نداشته و همبستگی تأیید نشده است. علی‌رغم این نتیجه‌ی آماری، در مصاحبه‌های جمعی با زنان روستایی مشخص شد که تسهیل‌گران جوان‌تر (بین سی تا چهل ساله) برای انجام طرح مناسب‌ترند.

جدول (۸) ضریب همبستگی دو متغیر سن تسهیل‌گران و تعداد طرح‌های عمرانی

متغیرها	آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد جامعه نمونه
سن تسهیل‌گران و تعداد طرح‌های عمرانی		$-0/088$	$-0/098$	۳۵۷

نقاط ضعف طرح تسهیل‌گری

۱- بالا بودن میانگین سن تسهیل‌گران: با این‌که میانگین سن تسهیل‌گران نسبتاً بالاست (۴۶/۵ سال) چنان‌که در جدول (۸) آمده، این امر تأثیری در روند طرح نداشته است. هرچند از نظر آماری همبستگی به‌دست نیامده است، اما از نظر زنان روستایی، تسهیل‌گران مسن از انگیزه و توانی کمتر در اجرای طرح برخوردارند.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۸۳

۲- پایین بودن سطح سواد تسهیل‌گران: از دیگر نقاط ضعف طرح، پایین بودن سطح سواد تسهیل‌گران است. چنان‌که از ۱۵ تسهیل‌گر روستاهای نمونه، ۱۲ نفر (۸۰ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، یک نفر سواد راهنمایی و ۲ نفر دیپلم بودند.

۳- برگزار نشدن انتخابات مجدد تسهیل‌گر و مشخص نبودن طول دوره‌ی تسهیل‌گری: پس از برگزاری اولین انتخابات سال ۱۳۸۰ در دهستان مازول، هیچ‌گونه انتخاباتی به‌منظور جای‌گزینی افرادی که به هر دلیل از کار کناره‌گیری کرده‌اند انجام نشده است و هم‌اکنون برخی از روستاهای منطقه تسهیل‌گر ندارند و طرح متوقف شده است.

۴- منطبق نبودن دوره‌های آموزشی برگزار شده با نیازهای زنان روستایی و شرایط جغرافیایی منطقه: بسیاری از دوره‌های آموزشی برگزار شده از سوی تسهیل‌گران بدون توجه به نیازهای زنان روستایی بوده است و به همین علت از آن استقبال نکرده‌اند. از سوی دیگر برخی از دوره‌های آموزشی با شرایط جغرافیایی و توان‌های محیطی روستا مطابقت نداشته است.

۵- فقدان بازنگری و ارزیابی و نظارت دقیق بر اجرای طرح تسهیل‌گری: این طرح پس از گذشت هفت سال، اکنون به‌صورت تقریباً راکد درآمده است، به‌طوری‌که خود زنان تسهیل‌گر نیز عقیده دارند که در سال‌های اول روند پیشرفت طرح بسیار سریع بوده است، اما در دو سال اخیر تقریباً هیچ‌گونه بازدید یا نظارتی صورت نگرفته و کارگاه آموزشی برگزار نشده است.

۶- فقدان حمایت مالی و ارایه‌ی تسهیلات کافی به تسهیل‌گران و آشنا نبودن سازمان‌ها و ادارات دولتی و حتی روستاییان با طرح تسهیل‌گری از نقاط عمده‌ی ضعف طرح محسوب می‌شود.

نقاط قوت طرح تسهیل‌گری:

- ۱- آشنایی تسهیل‌گران با سازمان‌ها و ادارات اجرایی مرتبط با روستا.
- ۲- آشنایی تسهیل‌گران و زنان روستایی با نحوه‌ی تشکیل سازمان‌های غیر دولتی، مانند «صندوق‌های اعتبارات خرد».
- ۳- تشویق زنان به پس‌انداز و جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک که سبب شده است که در اکثر روستاهای نمونه، صندوق‌های قرض‌الحسنه تشکیل شود.
- ۴- آشنایی زنان تسهیل‌گر با اطلاعات به‌روز مورد نیاز روستا و شرکت آن‌ها در کارگاه‌های آموزشی.

- ۵- غنی‌سازی اوقات فراغت و افزایش مهارت و آگاهی‌های زنان روستایی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی بسیج در مساجد و حسینیه‌ها.
- ۶- مشارکت زنان در ساخت و تجهیز مساجد و حسینیه‌ها و کمک به نیازمندان و انجام مراسم عزاداری و برگزاری اعیاد مذهبی.
- ۷- حضور بیشتر زنان روستایی در اجتماع و افزایش اعتمادبه‌نفس تسهیل‌گران از طریق برگزاری نمایش‌گاه‌های «توان‌مندی‌های زنان روستایی».

موانع و مشکلات تسهیل‌گران زن روستایی حجم نمونه:

- مهم‌ترین موانع و مشکلاتی که از سوی تسهیل‌گران مطرح شده و تلاش در جهت رفع آن‌ها در موفقیت طرح مؤثر است عبارتند از:
- ۱- آشنا نبودن سازمان‌ها و نهادهای دولتی با تسهیل‌گران و جای‌گاه حقوقی آن‌ها که باعث شده است خواستار صدور کارت شناسایی باشند.
 - ۲- مشکلات و هزینه‌ی زیاد ایاب‌وذهاب تسهیل‌گران روستاهای دور و پراکنده از مرکز شهرستان برای انجام امور اداری.
 - ۳- وجود نداشتن امکانات و تسهیلات مالی کافی دولتی برای اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی و غیره، مربوط به تسهیل‌گری.
 - ۴- نداشتن پروانه‌ی بهداشتی که مشکلات فروش محصولات را بیشتر کرده است.
 - ۵- مقاومت فرهنگی مردان و وجود تعصبات غلط در بین روستاییان که مانع فعالیت زنان روستایی و تسهیل‌گران می‌شود.
 - ۶- بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد زنان باعث شده است که آن‌ها نیاز چندانی به شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی احساس نکنند یا نتوانند از فواید این دوره‌ها بهره‌مند شوند.

راه‌کارها و پیشنهادها:

- ۱- افزایش سطح سواد زنان روستایی با ایجاد مدارس راهنمایی و متوسطه و شبانه‌روزی و توسعه‌ی وسایل نقلیه‌ی عمومی برای دختران روستایی که نبود امکانات باعث ترک تحصیل آن‌ها می‌شود.
- ۲- افزایش توان مالی زنان روستایی از طریق واگذاری وام‌های دولتی، ایجاد شرکت‌های تعاونی، بازارهای محلی و برپایی نمایشگاه‌های مختلف جهت فروش محصولات با کمک تسهیل‌گر.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۸۵

- ۳- برگزاری انتخابات مجدد تسهیل‌گری در روستاهای منطقه.
- ۴- آشنا کردن زنان و مردان روستایی با طرح تسهیل‌گری و ضرورت اجرای آن و ایجاد روحیه‌ی همکاری و مشارکت با تسهیل‌گر در آن‌ها.
- ۵- تعیین شرط سنی (کمتر از چهل سال) و سواد دیپلم برای نامزدهای تسهیل‌گری و تشویق دانشجویان دختر روستایی به کاندیدا شدن.
- ۷- تعیین طول دوره‌ی تسهیل‌گری تا در صورت فعالیت نکردن تسهیل‌گر یا مهاجرت او، انتخابات مجدد صورت گیرد.
- ۸- صدور کارت شناسایی برای تسهیل‌گران زن روستایی و معرفی آن‌ها به نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مربوط.
- ۹- برقراری تسهیلات و پرداخت هزینه‌ی ایاب‌و‌ذهاب به تسهیل‌گرانی که در فاصله‌هایی دور نسبت به مرکز شهرستان سکونت دارند.
- ۱۰- برگزاری کارگاه‌های آموزشی متناسب با نیازهای زنان روستایی و متناسب با شرایط جغرافیایی و اقتصادی و اجتماعی روستاها.
- ۱۱- پرداخت کمک‌های بلاعوض برای ایجاد کارگاه‌های کوچک از قبیل بسته‌بندی مواد غذایی و صنایع دستی و غیره که با کمترین هزینه، بیشترین سوددهی را داشته باشد و موجب اشتغال‌زایی، استقلال و خودباوری زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی شود.
- ۱۲- برگزاری کارگاه‌های آموزشی توان‌مندسازی، آموزش‌های تخصصی کشاورزی، فنون مشارکت و فنون ارتباط و سازمان‌شناسی «ویژه‌ی تسهیل‌گران» به‌منظور ایجاد ارتباط قوی با جامعه‌ی روستایی و کارگزاران دولتی.
- ۱۳- برگزاری بازدیدهای آموزشی «ویژه‌ی زنان تسهیل‌گر» از کارخانجات صنایع تبدیلی، مزارع کشاورزی نمونه و غیره جهت آشنایی آن‌ها به فنون و روش‌های جدید محصولات تولیدی و تبدیلی.
- ۱۴- حمایت دولتی و همکاری با تسهیل‌گران در انجام طرح‌های درآمدزا برای زنان روستایی، تشکیل جلساتی با سازمان جهاد کشاورزی، تعاون و بانک کشاورزی در خصوص اعطای اعتبارات ویژه به زنان تسهیل‌گر در جهت اشتغال زنان روستایی، تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد برای پرداخت وام‌های کوچک با اقساط طولانی‌مدت با سود پایین.

۱۵- تهیه‌ی نشریه‌های ترویجی ویژه‌ی زنان تسهیل‌گر در سطح استان و جز آن به‌منظور آشنایی بیشتر با دستاوردهای تسهیل‌گران در سایر استان‌ها برای الگوسازی و معرفی زنان پیشرو محلی. همچنین برگزاری انتخابات زنان نمونه‌ی روستایی، همایش علمی و جشنواره‌های فرهنگی-هنری، نظارت و ارزش‌یابی‌های هدف‌مند بر اجرای پروژه‌ها.

اجرای راه‌کارهای پیشنهادی می‌تواند در موفقیت طرح تسهیل‌گری و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی مؤثر واقع شود و زمینه را برای توسعه‌ی روستایی پایدار فراهم کند.

منابع

- امامی، محمدحسین و مددی، داوود (۱۳۸۶) تسهیل‌گری ابزاری برای توان‌مندسازی منابع انسانی، ناشر: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی (۱۳۸۶) پروژه‌ی طرح تسهیل‌گری.
- جوادیان، ابوالفضل (۱۳۷۷) بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی توسعه روستایی، تهران: معاونت ترویج وزارت جهاد سازندگی.
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۱) چالش با حرفه‌ها، ترجمه‌ی علی‌رضا خرماپی، وزارت جهاد کشاورزی.
- حاجیلو، فتانه، خانی، فزیله و دیگران (۱۳۸۶) «بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیل‌گران زن در ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی: مطالعه‌ی موردی آذربایجان شرقی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- حیاتی، داریوش و کرمی، عزت‌اله (۱۳۷۵) «سازه‌های مؤثر بر فعالیت و مطلوبیت کار مروجان در استان فارس»، خلاصه مقالات سمینار علمی ترویج و منابع طبیعی، امور دام و آبزیان، تهران: معاونت ترویج وزارت جهاد سازندگی.
- دانیالی، تهمینه (۱۳۸۷) برگرفته از سایت www.omidnews.ir/d
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) کندوکاو و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار.
- روشنایی، علی (۱۳۷۴) ارزشیابی مروجان روستایی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت ترویج وزارت جهاد سازندگی.
- زرتنگار، حمید (۱۳۸۵) «بحثی درخصوص قابلیت‌ها و جنبه‌های ارتباطی در عمل‌کرد تسهیل‌گران»، ماهنامه جهاد، نقل از سایت آفتاب www.aftab.ir
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲) چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله (توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی) گزارش شماره ۱۷، کارشناسی - مقدماتی - پیشنهادی.
- شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۰) «مروری بر تجربیات جهانی در بهبود خدمات‌رسانی ترویجی به زنان روستایی»، ماهنامه جهاد، تهران: شماره ۲۳۹-۲۳۸، صص ۴۶-۳۴.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۸۷

- فائو (۱۳۷۴) *زنان در توسعه کشاورزی*، ترجمه‌ی صالح نسب، غلامحسین، تهران: مدیریت مطالعات و بررسی‌های معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- کمالی، محمدباقر (۱۳۸۰) طرح مطالعاتی روند تسهیل‌سازی الگوی آزمایشی مروجان دوسویه روستایی فریدن اصفهان، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- مافی، فرزانه (۱۳۸۴) «تهیه طرح جامع زنان روستایی، مهم‌ترین هدف در برنامه چهارم»، نشریه جهان اقتصاد.
- مشفق، ژیلا و جمشیدی، مؤگان (۱۳۸۴) «مددکاران ترویج و توسعه روستایی»، ماهنامه جهاد، تهران: شماره ۲۶۷ سال ۲۵، صص ۳۰-۲۵.
- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نخودچی، جواد و نیکجو، غلامرضا (۱۳۷۵) بررسی عوامل مؤثر بر میزان موفقیت و کارایی مروجان دام روستایی استان آذربایجان شرقی، سازمان جهاد سازندگی آذربایجان شرقی.

Botch way ,K (2001) "Paradox of empowerment " , World Development . Vol.29, No.1, pp.135-153.

Gobayan, I. and Hakobian L (1998) "Rural women s participation in decision-making in Armenia". (on line).

Lahai,B.; and Jone, G,E (1999) "The gender of extension in Nigeria".(On line).

Lawson,Sandra I (1996) A Quick Refemce Guide for Facilitators, MINISTRY OF Agriculture Food & Rurul Affairs. Available on: <http://www.omafra.gov.on.ca/english>.

Wernner, N (2000) "Public participation in forestry". Available on: www.unece.org.